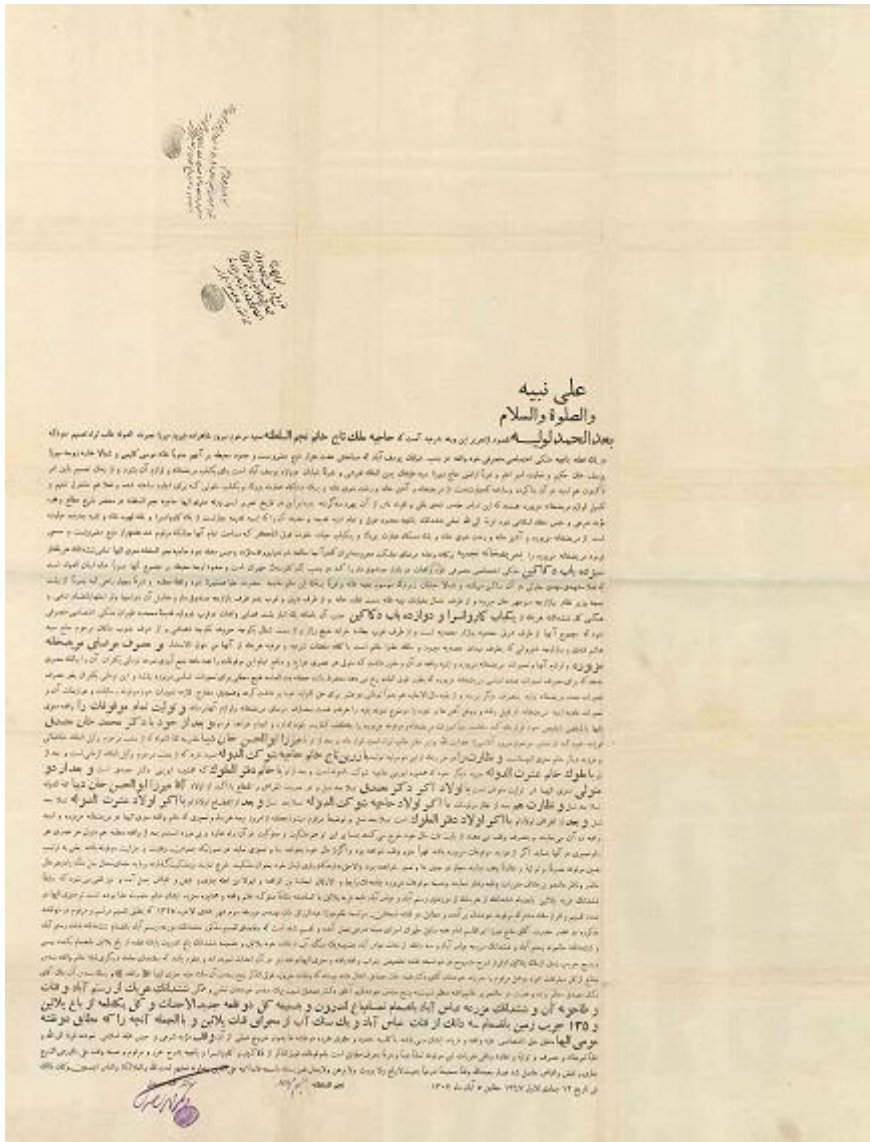


وقف نامه بیمارستان نجمیه

سند ۳۴۰/۶۱۲۲ موجود در آرشیو ملی ایران



نامه‌ای از نجم‌السلطنه به برادرش عبدالحسین میرزا فرمانفرما

(برگرفته از مجموعه آرشیوی منصوره اتحادیه)

بسم الله الرحمن الرحیم
فرمانم به شما که در این شهر بمانید و در این شهر بمانید
لیکن محض لا عرض میجامد و بعد از این
علی دختر سرایه را بفرستید و حقش را بدهید
لازم دارد که کسی بماند و خود را بفرستد
چرا که بر این شهر کمر بسته اند و می‌دانند که
بکشدند که از این قسم بماند و بماند
ندانم کرده تا صبح هر روز بفرستد که
فرمانم از و کسرا کند که بفرستد و بفرستد
عمده رفقه حرکت که بفرستد و بفرستد
فرمانم باید بفرستد و بفرستد
باید بفرستد و بفرستد
کواله می‌ماند بفرستد و بفرستد
باید بفرستد و بفرستد
کسر می‌ماند و بفرستد و بفرستد

نامه دیگری از نجم السطنه به برادرش عبدالحسین میرزا فرما فرما

(برگرفته از مجموعه آرشیوی منصوره اتحادیه)

وقت بستم خط مدد گشت بعد از مدت کار بخت شد از سواد
و بعد مدد گشت نکردم از کار من نخواهد که صدمه
جان عزیزت بدم و بعد از مدت مدتی که مدد گشت
دختر چهارشنبه ای بود دیروز ولادت او در
خانم ملا صدوقانه ترف برزد و در وقت
عوضی مادرش را بکف می بردند هم صحت
بهر قسم باشد می سلامت باشد هم نرسیده می باشد
نفس از بابت دختر نوزدهم در دختر گشت
به کینه می بود هر قسم میرید مدد گشت و اعتدال
به عروسی و در این کارم فرستاد که کار
و بخت گشت می بود عروسی شان که که بعد از مدت
که می سلامت باشد دختر اوله می باشد بعد از مدت
باید عروسی باشد زینت لا بدید ابی که نوبت
بفید نه حاضرید بر آن معصوم و در چه نیکو
وقت بستم هر دختر خداوند قرار بخت کرد

مواقف نش بر کسی میدد منو مانده و خواه خبر داشته باشد یا نه
و ادب چهار دختر هم مروت زنده که است بعد از مدت
انکه نوبت طاقه بیانی لازم نیست و تا بکلام حالای می طاق
بسیار عیال عروسی طاقه بیانی صدمه بخت مروارید در دست
در این دختر هم سه هزار تکیان می زدهم بعد از مدت ادب که روز دختر
عروسی در مدت بیانی در خانم هم چهار هزار تکیان بدم با جبر علاوه
نیز تر از این حق با من ندارد و فیصله هم که در وقت عبداللہ در خدمت
و بول می بود و حال هم سه دایم نیست سه هزار تکیان بدم
و در این دختر در این دختر که نباید بدم سه زنده که
خون دختر شاه در حضرت عیسی که هفت از تکیان در این کار
به این که دختر فقیر که نباید از این که بالاتر باشد لا بد دختر
حدا در دست رضت خواهد در دست رخصت خواهد بک
اطاق محقر خواهد یک چهار تکیه ادب نقره خواهد بک
میوه چهار تکیه از تکیان دیگر تکیه و آخر لازم که باید
که ادب بقطع زنده که او نداشت از بابت و فیصله که
که در این دختر که که بدم دایم که در این
فصله که با تکیه هر سه در آن خرب فتنه

مهر نجم السلطنه

(برگرفته از مجموعه آرشیوی منصوره اتحادیه)

